نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال بیست و دوم، شماره ۶۷، زمستان ۱۴۰۱

بازآفرینی محور فرهنگی با تأکید بر ارتقاء کیفیت محیط

دریافت مقاله: ۹۸/۵/۲۳ **پذیرش نهایی**: ۹۸/۹/۱۹

صفحات: ۲۵۷-۲۴۱

مینا بخشی: دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
Email: Minabakhshi1390@gmail.com
سعید پیری: گروه معماری، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران[1]
Email: saeidpiri@yahoo.com
علیرضا استعلاجی: گروه جغرافیا، واحد یادگار امام خمینی(ره)، دانشگاه آزاد اسلامی، شهر ری، ایران.
Email: al_estelaji@yahoo.com

چکیده

محورهای فرهنگی به عنوان بخشی از فضاهای عمومی در شهرها نقش مهمی در رفع نیازهای انسانی ایفا می‌کنند بسیاری از نظریه‌پردازان شهری محورهای فرهنگی را به عنوان یکی از اجزای اصلی یک سیستم شهری می‌دانند زیرا در کنار نقش عملکردی خود باعث افزایش اجتماع‌پذیری در فضاهای شهری می‌شوند. از آنجایی که هدف اصلی پژوهش حاضر، بازآفرینی محور فرهنگی شهر تهران است به لحاظ هدف جز پژوهش-های اکتشافی و کاربردی می‌باشد که به منظور کسب دانش و دسترسی به ریشه یک مسئله انجام گرفته است. جامعه آماری پژوهش حاضر شهروندان در حال گذر شهر تهران در محدوده میدان انقلاب تا فردوسی می‌باشد که با توجه به فرمول کوکران و نامحدود بودن جامعه تعداد ۳۸۴ نمونه به دست آمد که برای کاهش خطا تعداد ۴۰۰ نمونه انتخاب شد. در جمع‌آوری اطلاعات، از روش‌های کتابخانه‌ای و میدانی (پرسشنامه) استفاده شده است. جهت سنجش داده‌های جمع‌آوری شده از نرم‌افزار spss22 استفاده شد که یافته‌ها حاکی از آن است که مؤلفه‌های خوانایی، وسعت و تنوع رویدادها و مکان‌های فرهنگی و هویت بر ارتقای کیفیت محیطی تأثیر دارد و کیفیت سازمان دسترسی و راه‌ها، حس شنوایی و فعالیت‌های گوناگون و تنوع فعالیت‌ها در بازآفرینی محور فرهنگی تأثیرگذار است و در میان شاخص‌ها به ترتیب، مؤلفه زیست محیطی، اولویت اول و سپس مؤلفه محتوایی در ارتقاء کیفیت محیط قرار دارند و می‌توان نتیجه گرفت که مؤلفه‌های زیست محیطی و مؤلفه محتوایی نقش مؤثری در ارتقاء کیفیت محیط دارد و باید به این عوامل توجه شود.

کلید واژگان: بازآفرینی، محورفرهنگی، کیفیت، محیط، خیابان انقلاب

---

۱ . **نویسنده مسئول: تهران**، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1401.22.67.17.4]
[DOI: 10.52547/jgs.22.67.241]

مقدمه

شهرها دارای کالبد هماهنگ و منسجم عموما حاصل اجتماعی منسجم هستند. در این جوامع نوع تفکری که بر برنامه‌ریزی شهری حاکم است با فرهنگ و تفکرات اجتماعی موجود منطبق بوده و فاصله چندانی با چارچوب‌های فرهنگی جامعه ندارد. در نتیجه حاصل برنامه‌ریزی شهری کالبدی خواهد بود که هم از نظر عموم مردم و هم از نظر طراحان پذیرفته شده است (پاناگوپولوس،[1] ۲۰۱۵: ۵).

فضای شهری عرصه بروز حیات جمعی و گفتمان اجتماعی در بستری دارای مؤلفه‌های پاسخ دهندگی به کیفیات مکان است عرصه عمومی شهری پذیرای بیشترین استفاده‌کنندگان با سطوح مختلف فرهنگی، تجارب و آشنایی با مکان است که باید توانایی خویش را برای بازنمایی و قرائت‌پذیری حصایص کالبدی و نقش‌های عملکردی خود را به رخ کشد و امکان معناداری مطلوبیت را فراهم کند (بارنرز،[2] ۲۰۱۸: ۱۷۶). مسلماً فضاهای شهری نامناسب، بسترساز ناهنجاری‌های اجتماعی نیز می‌گردند و مکان‌هایی افسرده، مغشوش، ناامن و بدون مشارکت ساکنان را پی می‌ریزند، در این باره، برنامه‌ها و طرح‌های مختلفی برای بازآفرینی مناظر فرهنگی در ابعاد و موضوعات مختلف اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی ارائه شده است (ساساکی،[3] ۲۰۱۰: ۴). لزوم مداخله هدفمند، حفظ هویت بافت فرهنگی و تکامل و پویایی آن در راستای بالا بردن کیفیت محیط به منظور حفظ ساختار شهر، ضرورت بررسی موضوع را مطرح می‌سازد. بازآفرینی شهری، رویکردی برای توسعه درون‌زای شهری است و در حقیقت به‌کارگیری توان‌های بالقوه و بالفعل موجود در برنامه‌ریزی‌های شهری، تلاش در جهت ایجاد تعادل در نحوه توزیع کیفی و کمی جمعیت، هماهنگی میان بنیان‌های زندگی اجتماعی و گریز از فقر شهری و در نهایت استفاده از مشارکت و پویش اجتماعی مردم است (امین زاده و دادرس، ۱۳۹۱: ۳۴). آسیب‌شناسی بافت قدیمی شهرها نشان می‌دهد که دلیل فرسودگی تنها به ساختار کالبدی آن‌ها محدود نمی‌شود. بلکه مسئله ارتقاء اصلی این است که اینگونه بافت‌ها در حال از دست‌دادن هویت اجتماعی، اقتصادی و روانشناختی خود هستند که سبب از بین رفتن حیات مدنی و حضور مردم در این‌گونه بافت‌ها شده است؛ بنابراین ضروری است که در هرگونه اقدام مرمتی به ابعاد اجتماعی، فرهنگی و هویتی بافت‌های کهن شهری اندیشید و ارتباطی مناسب بین این ابعاد و ابعاد کالبدی فضایی شهر برقرار کرد تا بتوان به هدف غایی ارتقاء کیفیت زندگی شهری معاصر دستیافت تا فضای شهری مناسب برای تعاملات اجتماعی مردم تولید شود (اسمیت،[4] ۲۰۰۷: ۱۸). لازم است در برنامه‌ریزی محور فرهنگی به روش‌های ارتقاء کیفیت محیط توجه نمود و حتی می‌توان بیان داشت محور اصلی مبحث طراحی شهری، کیفیت است. کیفیت محیط شهری از منظر رویکردهای طراحی کالبدی عمدتاً محصول توجه توأمان به الگوهای فکری/ فرهنگی/ رفتاری کاربران محیط مورد نظر و نیز معیارهای کالبدی/ محیطی در مراحل مختلف سیاست‌گذاری، طراحی و اجرای محیط‌های شهری محسوب می‌شود (پاکزاد، ۱۳۹۳: ۱۵).

با توجه به اهمیت مسئله «کیفیت و بازآفرینی محور فرهنگی، و چالش‌های فراروی مدیران و کارشناسان شهری، به نظر می‌رسد ادامه این شرایط و تدوین برنامه‌ها و مداخلات کالبدی در محیط‌های شهری، همچون گذشته و

[1] Panagopoulos
[2] Barnes
[3] Sasaki
[4] Smith

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1401.22.67.17.4]
[DOI: 10.52547/jgs.22.67.241]

بدون توجه لازم به کیفیت محیط شـهری و بازآفرینی محور فرهنگی، هیچ‌گونه تضمینی برای دستیابی به محیط‌های دارای کیفیت شهری مطلوب را ایجاد نکند. تجربه طی شده در سال‌های اخیر و عدم پاسخ‌گویی طرح‌های توسعه شهری به نیازهای کیفی محیط از یک‌سو و نحوه تهیه طرح‌های توسعه شهری بر کیفیت محیط‌های کالبدی و اثبات موفقیت طرح‌هایی که بر اهمیت فضاهای عمـومی تأکید می‌ورزند. پژوهش حاضر به دنبال بررسی این مسئله است که چه ارتباطی بین بازآفرینی محور فرهنگی با ارتقاء کیفیت محیط وجود دارد؟

چارچوب نظری

یکی از مهمترین ابعادی که در بازآفرینی فضاهای شهری باید به آن دقت شود فرایند کیفیت و شناخت محیطی است که تجربه مکان را برای انسان هموار می‌سازد برای بازآفرینی محیط‌های سازگار و متناسب با نیازهای رفتاری شهروندان باید شناخت صحیح از رابطه بین انسان و محیط به دست آورد. به عبارتی، در بازآفرینی محور فرهنگی شناخت رابطه بین عناصر فرهنگی و کیفیت محیط و تأثیر آن بر سطوح مختلف استفاده کننده از محیط دارای اهمیت خاصی است (دی لیو،[1] ۲۰۱۹: ۴).

بازآفرینی شهری

بازآفرینی شهری فرایندی است که به خلق فضاهای شهری جدید با حفظ ویژگی‌های اصلی فضایی (کالبدی و عملکردی) با دید جامع و یکپارچه منجر می‌گردد و مجموعه اقداماتی که به حل مسائل شهری می‌انجامد، به طوری که بهبود دائمی در شرایط اقتصادی، کالبدی، اجتماعی و زیست‌محیطی بافتی که دست‌خوش تغییر شده را به وجود آورد (کانا،[2] ۲۰۱۲: ۱۵۲). رابرتز و سایکس در یک جمع‌بندی در سال ۲۰۰۰ و در آغاز هزاره سوم میلادی بر این عقیده‌اند که سه موضوع کلیدی: نیاز به یک رویکرد جامع که موضوعات اجتماعی و اقتصادی سر و کار دارد، تدوین چشم‌انداز راهبردی یکپارچه بلند مدت و در پیش گرفتن اهداف توسعه پایدار، ماهیت، محتوا و شکل نظریه و عمل بازآفرینی شهری را در آینده تعریف خواهند کرد (بحرینی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۲-۲۰) نکته مهم این است که بازآفرینی شهری در راستای یک فرایند، معنادار می‌گردد فرایند شهری به طور خلاصه شامل تجزیه و تحلیل، اجرا، خروجی‌ها و نتایج حاصل می‌باشد. در این فرایند بر اساس دیدگاه‌های متاخر نه تنها خروجی‌ها بلکه نتایج و پیامدهای آن حاکی از نگاه هزاره سوم بر مبنای محیط‌های شهری سرزنده و قابل زندگی، سلامت و به لحاظ اقتصادی اعتبار می‌یابند اصولا چرخش حرکت در توسعه مجدد و بازآفرینی شهرها از رویکردهای کالبدی و گاه صرفاً اقتصادی به سوی نگرش‌های یکپارچه و با تأکید بر ویژگی‌های فرهنگی–اجتماعی، سرزندگی و رونق اقتصادی و مقوله کیفیت ارتقاء یافته عرصه‌های عمومی به بلوغ خود می‌رسد (لاروسا و همکاران،[3] ۲۰۱۷: ۱۹۱). بازآفرینی مناظر فرهنگی درون شهری، با ایجاد اطمینان از درک بافت تاریخی و نیازهای عملکردی جامعه در پاسخ به آن به صورت زیر، سازگاری و حس خوبی ایجاد می‌کند۱: شناخت مکان‌ها و مسیرهای عمومی که برای شهروند خوشایند هستند؛ ۲: ایجاد احساس امنیت؛۳: ایجاد کیفیتی از مناظر فرهنگی

[1] De Liu
[2] Kana
[3] La Rosa,D et al

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1401.22.67.17.4]
[DOI: 10.52547/jgs.22.67.241]

که با عناصر عملکردی و هنر عمومی یکپارچه شده‌اند؛ ۴: ساخت مکان‌های عمومی که آشفته و درهم ریخته نیستند و به آسانی قابل نگهداری‌اند؛ ۵: نورپردازی و تجهیز منظر با طراحی مناسب؛ ۶: فضاهای کیفی مناسب با نیاز گروه‌های مختلف شهروندی شامل افراد مسن، معلولان و ناتوانان؛ ۷: طرح کاشت قوی و متناسب با ویژگی‌های منظر فرهنگی (پورجعفر،۱۳۹۰: ۸۵).

در سال‌های اخیر سیاست‌های بازآفرینی فرهنگی وکیفی به‌عنوان ابزار معاصرسازی و رویکرد برنامه‌ریزی استراتژیک در سایت‌های تاریخی ارزیابی شده است. هدف اصلی در روند بازآفرینی، افزایش کیفیت زندگی اجتماع محلی و تضمین مشارکت آن‌ها در این روند است (آیکاس و همکاران،[1] ۲۰۰۹: ۵). در بازآفرینی کیفیت مدار، باید متغیرها و نمایانگرهای محیطی را هدف قرار داد و آن‌چه را که آفریده شده بود، بازآفرینی نمود. هسته مرکزی شهر، فضاها و مکان‌های همگانی و بیرونی برجسته‌ای هستند که با معاصرسازی کیفیات محیطی، می‌توانند نماد سامان‌بخشی و سرزندگی تمامیت شهر باشند. بازآفرینی مرکز تاریخی شهر به مثابه خانه و مأمن میلیون‌ها نفر از مردم و بازدیدکنندگان مختلف، سبب تسهیل و بهبود تعاملات عالی انسانی می‌گردد؛ زیرا مراکز تاریخی شهرها با ایجاد مؤلفه‌های کالبدی و شرایط خاص برای فعالیت‌های سرگرمی و گردشگری می‌توانند اقتصاد محلی را ارتقاء دهند(پامیر، ۱۳۸۹: ۲). تصویر ذهنی افراد و امکان بازشناسی خاطرات از یک شهر به‌صورت گسترده‌ای از «کیفیت قلمروهای همگانی» آن در قالب خیابان‌ها، بلوارها، باغ‌ها، میادین، میدان‌چه‌ها و آب‌کنارها نشأت می-گیرد. نشانه‌های منحصربه‌فرد معماری می‌توانند به نماد تبدیل شوند؛ اما در نهایت، کیفیات کلی محیط همگانی است که شهر را خاطره‌انگیز و قابل زندگی می‌سازد؛ بنابراین بازآفرینی مرکز شهر، تلاشی است در جهت آفرینش دوباره محیطی که نشان‌دهنده زندگی شهری نمونه بوده است (آیکاس و همکاران، ۲۰۰۹: ۹).

محور فرهنگی

مسیرها و محورهای شهری از عناصر اصلی و زیربنایی‌ترین عنصر در ساختار ذهنی از یک شهر هستند. آن‌ها در ذهن شهروندان به صورت خطوطی ظاهر می‌شوند که ارتباط و اتصال نقاط مختلف شهر را میسر می‌سازند. این فضاها، جمعی و حاوی ارزش‌های فرهنگی و محیطی هستند که طی دوران مختلف برای دسترسی و زندگی اجتماعی شکل گرفته‌اند. به واقع مسیرها گذر تاریخ و بازتاب تنوعات اجتماعی و اقتصادی شهرها هستند(عباس-زادگان و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۰۲) محور فرهنگی محوری است که با داشتن پیشینه‌ی فرهنگی و اهمیت فراوان برای بافت شهر، در دوران متمادی فرهنگ یک شهر مورد توجه بوده است وجود نمادها و نشانه‌های خاص در محدوده‌ی حوزه‌های فرهنگی شهرها از شاخص‌ترین ویژگی‌های این محیط‌ها است. بررسی و مطالعه‌ی نمادها نشان می‌دهد که بنیان این نوع بناها بر پایه‌ی مفاهیم، سنت‌ها، فرهنگ، هویت و تاریخ شهر استوار شده است (کانا، ۲۰۱۲: ۱۶۲). محورهای فرهنگی داستان شهر را روایت می‌کنند، روایتی توأم با معنای تاریخی اجتماعی که در کنش‌های متقابل جامعه، کالبدی فردی و جمعی به خود می‌گیرد (لانگ،[2] ۲۰۰۹: ۲۱۱). محورها در ذهن شهروندان به صورت مسیرهای خطی پویایی است که حرکت در آن امکان‌پذیر است. شهروندان بنا بر نیازها،

[1] Aykac ET all

[2] Long

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1401.22.67.17.4]
[DOI: 10.52547/jgs.22.67.241]

انگیزه‌ها و اهداف خود از فضای معابر تصورات و توقعاتی دارند که ناشی از نحوه‌ی تفکر آن‌ها درباره‌ی فضای مورد نظر و تجربیات قبلی و مشابه آن است. محورها باید پذیرای همه‌ی گروه‌ها و رده‌های اجتماعی شهروندان در زمان‌های مختلف باشند. بنابراین حضورپذیری یکی از توقعات موضوعی مهم در مورد این فضاها به شمار می‌رود. توقع دیگر از این‌گونه فضاهای شهری پویایی آن‌هاست. این گونه فضاهای شهری باید پویا و سرزنده باشند و در ارتباط مستقیم با سیستم پویای شهر و بافت فرهنگی و پیرامون به ایفای نقش خود بپردازند شکل(۱) (پاکزاد، ۱۳۹۳: ۱۰-۹).

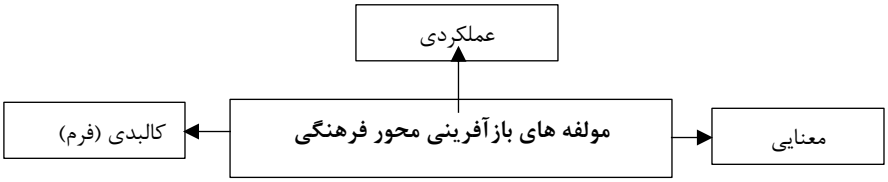

شکل (۱). مولفه های بازآفرینی محور فرهنگی

ماخذ: نگارنده

کیفیت محیط شهری

کیفیت مفهوم پیچیده‌ای است، این مفهوم در کلیه زمینه‌های مرتبط با زندگی انسان بکار گرفته شده است و کارشناسان هر رشته مسائل و پدیده‌های مرتبط. با کیفیت را با توجه به بستر و حالت آن تفسیر نموده‌اند(وجناروسکا،[1] ۲۰۱۶: ۱۴۳). ماکاچیا در تعریف خود از کیفیت محیط اشاره می‌کند که کیفیت محیطی عبارت است از مجموعه‌هایی از خصوصیات کمی و کیفی هر شیء یا مکان که منجر به برتری آن می‌شود و قابلیت مقایسه و داوری را در مقایسه با بقیه فراهم می‌سازد. از دیدگاه شوارتز ارزیابی کیفیت دارای دوجنبه عینی و ذهنی است. ارزیابی ذهنی مبتنی بر تجارب ناظر از کیفیت خارج از ذهن شخص و مبتنی بر کیفیت واقعی است، لذا به منظور دریافت شرایط واقعی کیفیت همواره ضروری است این مهم توامان هم از حیث عینی در محیط خارجی و هم از منظر ذهنی مقایسه گردد (لطیفی و همکار،۱۳۹۴:۱۰-۹).

به‌طور واضح برای دستیابی به هدف یک محیط زندگی باکیفیت، محدوده وسیعی از نیازهای محیطی، اقتصادی و اجتماعی باید برآورده شوند (پاسیون،[2] ۲۰۰۳: ۲). در سال‌های اخیر علاوه بر جنبه‌های محیطی و عملکردی، هوای سالم، همسایگی ساکت و آرام، منظره خیابان‌های جذاب و فضاهای سبز نیز در حال اهمیت یافتن هستند. میزان و کیفیت فضاهای زندگی شهروندان تحت‌تأثیر الگوی طراحی فضا، الگوی فعالیت‌ها، حالت‌های بازآفرینی، طرق کسب آگاهی و ارتباط با محیط، فرصت آرامش از استرس‌های روزانه و... است (ون هرزلا و ویدمان،[3] ۲۰۰۳: ۱۲۰). دگل‌کار مؤلفه‌های کیفیت محیطی را در سه گروه عمده یعنی مؤلفه‌های عملکردی (قرارگاه رفتاری، ایمنی، امنیت، سازگاری) مؤلفه‌های تجربی زیبایی‌شناختی(کیفیت کالبدی، کیفیت ادراک حسی، کیفیت ادراکی ذهنی) مؤلفه‌های محیط‌زیستی(کیفیت اقلیم، اصوات، بو، بازدهی و تعادل اکوسیستم و تقلیل آلودگی)

[1] Wojnarowska
[2] Pacion
[3] Van Herzele, A., and Wiedemann

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1401.22.67.17.4]
[DOI: 10.52547/jgs.22.67.241]

تقسیم‌بندی کرده است (صالحی‌نیاو همکاران، ۱۳۹۷: ۲۱-۲۰) در مجموع کیفیت یک مکان به عنوان زیرمجموعه‌ای از فاکتورهای برنامه‌ریزی، طراحی، توسعه و نگهداری محیط زندگی شهروندان باید به قابلیت زندگی، فردیت، شخصیت، زیبایی شناختی، ارتباط، پیوستگی، قابلیت دسترسی، قابل رویت‌بودن گوناگونی پاسخ بدهد شکل(۲).

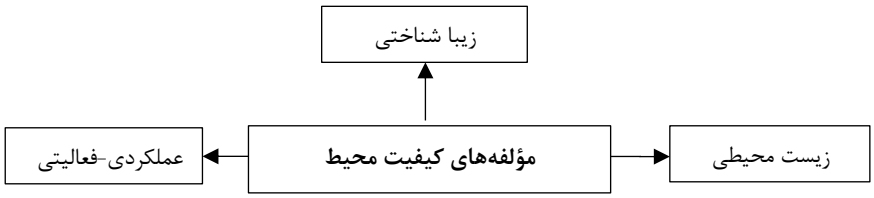

شکل(۲). مؤلفه‌های کیفیت محیط

ماخذ: نگارنده

براساس نگاه جامع به ادبیات موضوع و تجارب جهانی مدل مفهومی زیر را می‌توان در تحلیل بازآفرینی محور فرهنگی و ارتقاء کیفیت محیط ارائه داد و نکته مهم در تدوین مدل مفهومی شکل(۳) نگاه جامع به متغیرهای اثرگذار بر بازآفرینی وکیفیت محیط است.

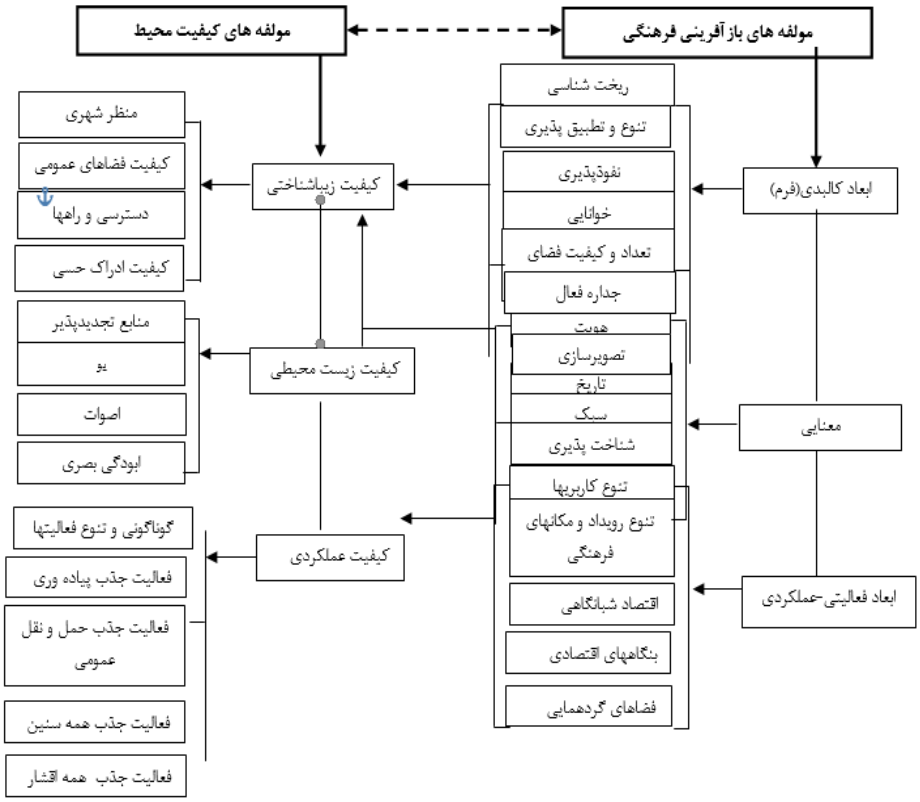

شکل(۳). مدل مفهومی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1401.22.67.17.4]
[DOI: 10.52547/jgs.22.67.241]

در این رابطه در سطح جهانی گیتینگ و دی فرانتز[1] (۲۰۰۴) در نتایج بررسی‌های خود با عنوان راهبردهای فرهنگ‌مبنا برای بازآفرینی شهری یک چشم‌انداز مقایسه‌ای در بیلبائو، به این نکته تأکید کردند که در راهبرد بازآفرینی فرهنگ مبنا، از فرهنگ به‌عنوان یک ابزار توسعه مانند موزه‌ها، گالری‌ها و جشنواره‌ها استفاده می‌شود. این امر دارای مزایای ویژه مانند جذب گردشگران به‌ویژه از طبقات مرفه‌تر است. این امر موجب افزایش تقاضا برای خدمات عمومی شده و موضوعی که با اقتصاد و گذران اوقات فراغت همراه می‌شود. سیاست فرهنگی می‌تواند در بطن این نوع بازآفرینی، تصویر ذهنی یک شهر را تغییر دهد. شهر را تبدیل به یک مقصد گردشگری کند و به آن تصویر ذهنی بدهد؛ بنابراین، بازآفرینی فرهنگ‌مبنا بسیاری از جاذبه‌ها را برای سیاستگذاران شهری ارائه می‌دهد. بینز[2] در (۲۰۰۵) در پژوهشی با عنوان سرمایه‌گذاری در فرهنگ؛ یک ارزیابی از سیاست بازآفرینی فرهنگ‌مبنای شهری به این نتیجه رسیده که مسئولان شهری در اروپای غربی برای بازآفرینی مراکز شهری خود درصدد جذب سرمایه‌گذاری داخلی و گردشگر از طریق جلب عوامل اقتصادی خارجی و انواع سیاست‌های مصرفگرای فرهنگی هستند. مهمترین این عوامل عبارتند از: سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌هایی فرهنگی مانند موزه‌ها یا گالری‌های هنری و برگزاری رویدادهای فرهنگی. ویک‌کری[3] (۲۰۰۷) به بررسی معناشناسی واژه بازآفرینی فرهنگ مبنا و زمینه‌های گوناگون استفاده آن پرداخته شده است و نیز بیان می‌دارد که درخلال تمرکز بر سیاست‌های کلیدی شهری، اجتماعی، فرهنگی و هنری به بازشناسی انگیزه‌های سیاسی و منافع دولت‌ها در بازآفرینی فضاهای تاریخی می‌پردازد. پس از آن با در نظر گرفتن مفهوم بازآفرینی طراحی محور، به عنوان گونه‌ای اصلی از بازآفرینی فرهنگ - مبنا، به بیان نقش دولت‌ها در ترویج فرهنگ از طریق بازآفرینی می‌پردازد. نتایج تحقیق فوق به دنبال نشان‌دادن بازآفرینی فرهنگ - مبنا نه به عنوان یک تک عبارت مستدل بلکه به عنوان یک عبارت دارای معانی متعدد و در برگیرنده برنامه‌های کاربردی است. فریستون و میدلتون[4] (۲۰۰۸) به بررسی بازآفرینی فرهنگ مبنا به عنوان یک استراتژی در بازسازی و تجدید قوای شهرهای دچار مشکلات اقتصادی و اجتماعی پرداخته‌اند. در این مقاله اشاره می‌شود که تحقیقات بسیاری در مفهوم بازآفرینی صورت گرفته و این درحالی است که تحقیقات فرهنگی در شهرها به شدت مورد سهل‌انگاری واقع گشته است. نویسنده لزوم انجام تحقیقاتی که نشان دهنده میزان تأثیرپذیری و تأثیرگزاری شهروندان در مفهوم بازآفرینی و آزمایش آن‌ها باشد را ضروری شمرده و به دنبال ارائه مفهوم بازسازی فرهنگ مبنا به عنوان وسیله‌ای برای بازسازی پساصنعتی و تأثیر نقش آن در هویت ساکنین شهرها دارد. کلنتیو و دیکسون۵ (۲۰۱۱) سیر تکاملی بازآفرینی را از توسعه‌ی کالبدی دهه‌های ۴۰ و ۵۰ میلادی. و سپس دوره‌ی رفاه اجتماعی در دهه ۶۰ میلادی، تسلط دیدگاه‌های اقتصادی بر توسعه در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی. ملاحظه نموده و آن‌گاه تا مقوله‌ی مشارکت اجتماعات محلی پیش می‌رود و تجلی آن را در ده‌ی آغازین قرن حاضر میلادی در «مکان‌های پایدار» که نقطه‌ی ثقل پایداری اجتماعی است، لحاظ می‌کند. لازارویچ و دیگران۶ (۲۰۱۶) روی بازآفرینی فرهنگ‌مبنا به‌عنوان یک ابزار به‌کارگیری برای

[1] Keating, M. and Frantz
[2] Binns
3 Vickery
4 Freestone, P & Middleton
5 Colantonio, A. & Dixon
6 Lazarević

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1401.22.67.17.4]
[DOI: 10.52547/jgs.22.67.241]

بازآفرینی مناطق محروم بلگراد- محله‌ی ساوامالا کار کرده‌اند. در این مقاله، تأملی بر یک منطقه‌ی فرهنگی برنامه‌ریزی نشده است که ضمن اهمیت احترام به فرهنگ‌های محلی، میراث و سنت در درون بازآفرینی، در تلاش برای تمرکز روی فرصت‌های اقتصادی و بهینه‌سازی تجربه‌ی بازدیدکنندگان با استفاده از یک اختلاط خلاق از منابع فرهنگی، زیست‌محیطی و تاریخی مرتبط با جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی هستند. در پایان به این نتیجه می‌رسند که بازآفرینی فرهنگ مبنا می‌تواند به‌عنوان یک ابزار برای ایجاد محله‌های فرهنگی، قطب فرهنگی و برای استفاده از این مناطق به‌منظور آغاز فرایند بازآفرینی، با تمام اثرات مثبت آن به‌کار گرفته شوند. فورلن و فاگین[1] (۲۰۱۷) در پژوهشی تحت‌عنوان «بازآفرینی شهری: حافظ میراث فرهنگی و پیچیدگی اجتماعی بافت شهری» بازآفرینی شهری را به‌عنوان رویکردی جهت مقابله با پراکندگی شهری مطرح می‌کند. در این پژوهش بازآفرینی شهری منبع ایده جهت طراحی جوامع پویا معرفی می‌شود.

در ایران نیز ایزدی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی به تبیین و ارائه الگوی بازآفرین شهری فرهنگ محور با تأکید بر رویکرد نهادی پرداختند. در جمع‌بندی مباحث، می‌توان این رویکرد را رویکردی امروزی و یکپارچه نگر دانست که با تکیه بر منابعی مانند تاریخ، فضاها، و نیروهای نوآور، اقدام به توسعه و بازآفرین شهرها می‌کند. سروری و موسوی (۱۳۹۶) در پژوهشی به تحلیلی بر بازآفرینی شهری با رویکرد فرهنگ مبنا پرداختند. این تحقیق از حیث هدف کاربردی و برحسب ماهیت، تحقیق توصیفی و تحلیل می‌باشد که بدین منظور از اسناد و منابع کتابخانه‌ای بهره گرفته شده است. در نهایت با بررسی تمام جوانب و اصول بازآفرینی و کاربست فرهنگ، به شاخص‌های مورد نیاز جهت بازآفرینی بافت‌های تاریخی پرداخته شد. نادریان (۱۳۹۶) به بررسی بازآفرینی فرهنگی اجتماعی فضاهای شهری با هدف ارتقاء هویت محله‌ای پرداخت. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات پرسشنامه‌ها، از تکنیک آماری SPSS استفاده شده است. نتـایج تحلیل نشان می‌دهد با توجه به چهار معیار اصلی بازآفرینی فرهنگی و شش معیار اصلی هویت محله‌ای و ارتباط قوی بین این معیارها با یکدیگر می‌تواند به ارتقاء هویت محله‌ای محلات تاریخی کمک نموده و از این طریق حس تعلق شهروندان را موجب گردد. شهریاری و همکاران(۱۳۹۶) به بررسی تبیین سیاست‌های فرهنگی تأثیرگذار بر بازآفرینی شهری فرهنگ محور (با تاکید بر تجارب بازآفرینی شهری استانبول ترکیه) پرداختند. این پژوهش به روش کیفی صورت پذیرفته و ابزار جمع‌آوری اطلاعات، منابع کتابخانه‌ای و اسناد بوده است. هدف این پژوهش تبیین مؤلفه‌های فرهنگی تأثیرگذار بر بازآفرینی شهری فرهنگ محور می‌باشد که مؤلفه‌هایی چون «کاربری‌های فرهنگی»، «فعالیت‌های فرهنگی درفضای عمومی شهری»، «ترکیب فعالیت‌های فرهنگی با طراحی شهری خلاقانه»، «حفاظت میراث فرهنگی» و «گردشگری فرهنگی» را به عنوان معیارهایی کلیدی معرفی نموده و در سه پروژه بازآفرینی شهری در شهر استانبول ترکیه مورد مقایسه و این نتیجه حاصل گردید که بازآفرینی شهری با بهره‌گیری از صنایع خلاق فرهنگی منجر به احیای اقتصادی مناطق مورد نظر گردیده و همگرایی اقتصاد و فرهنگ تأثیرات بسزایی بر بازآفرینی بناهای تاریخی داشته است.

تحقیقاتی که انجام پذیرفته در حوزه یکی از متغیرهای تحقیق پذیرفته و در دیگر شهرها مورد بررسی قرار گرفته است و تحقیقی با این مضمون در محور فرهنگی شهر تهران (خیابان میدان انقلاب تا میدان فردوسی) انجام

1 Furlan, R. & Faggion

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1401.22.67.17.4]
[DOI: 10.52547/jgs.22.67.241]

نپذیرفته است و از سویی در تحقیق حاضر ارتقای کیفیت محیط از ابعادی تا حدودی متفاوت از تحقیقات دیگر انجام پذیرفته است و نگاهی نو به موضوع تحقیق داشته است.

روش تحقیق

محدوده مورد مطالعه

محدوده مورد مطالعه محور انقلاب، حد فاصل میدان انقلاب تا میدان فردوسی است . این محدوده به لحاظ نظام تقسیمات رسمی تهران بخش‌هایی از مناطق ۶، ۱۱ و۱۲ این شهر را به خود اختصاص داده است. این محدوده به طور تقریبی در مرکز شهر تهران واقع شده است، بنابراین بسیاری از عناصر شاخص مرکزی تهران و پتانسیل-های فرهنگی در اطراف این محدوده قرار دارند که علاوه بر تأثیرگذاری بر ویژگی‌های فرهنگی و ارتقاء کیفیت محیط با توجه به اهمیت آن‌ها در تعیین چشم‌انداز شهر تهران، تقشی اساسی در بازآفرینی این محور فرهنگی خواهند داشت. محور انقلاب، در مرکز مهمترین محور فرهنگی شهر قرار دارد که در سازمان فضایی و شبکه اجتماعی – اقتصادی و فرهنگی شهر تهران جایگاه ویژه‌ای دارد و هرگونه تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در خصوص آن را به دلیل موقعیت کالبدی، ارتباطی، اقتصادی، اجتماعی و ارزش‌های تاریخی آن اثری تعیین‌کننده در ساختار فضایی و اجتماعی شهر خواهد داشت. این محدوده در برگیرنده واحدهای فرهنگی، سینماهای میدان انقلاب، فرهنگستان فرهنگ و هنر، سینما سپیده، دانشگاه تهران و دبیرستان البرز است. از سویی خیابان شرقی – غربی انقلاب به عنوان محور شکل‌دهنده به محدوده، بسیاری از عناصر نشانه‌ای در مقیاس شهر را در خود جای داده است و وجود دانشگاه تهران در ابتدای خیابان انقلاب و شرق میدان، باعث به وجود آمدن کاربری‌های مرتبط با آن در حوزه نفوذش شده است شکل(۴).

شکل(۴). موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1401.22.67.17.4]
[DOI: 10.52547/jgs.22.67.241]

داده و روش کار

از آنجایی که هدف اصلی پژوهش حاضر، بازآفرینی محور فرهنگی شهر تهران است به لحاظ هدف جز پژوهش‌های اکتشافی و کاربردی می‌باشد که به منظور کسب دانش و دسترسی به ریشه یک مسئله انجام گرفته است. جامعه آماری پژوهش حاضر شهروندان در حال گذر شهر تهران در محدوده میدان انقلاب تا فردوسی می‌باشد که با توجه به فرمول کوکران و نامحدود بودن جامعه تعداد ۳۸۴ نمونه به دست آمد که برای کاهش خطا تعداد ۴۰۰ نمونه انتخاب شد. در جمع‌آوری اطلاعات، از روش‌های کتابخانه‌ای و میدانی استفاده شده است. جهت تحلیل کمی شاخص‌ها از پرسشنامه استفاده شده است که مؤلفه‌های بازآفرینی فرهنگی شامل ابعاد کالبدی (فرم)، ابعاد معنایی و ابعاد فعالیتی- عملکردی می‌باشد و جهت سنجش مؤلفه‌های کیفیت محیط از ابعاد کیفیت زیباشناختی، کیفیت زیست‌محیطی و کیفیت عملکردی استفاده شده است. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار spss22 استفاده شد که در قسمت آزمون آماری جهت سنجش عوامل مؤثر بر بازآفرینی و کیفیت محیط از آزمون همبستگی پیرسون جهت سنجش ارتباط بین مؤلفه‌های کیفیت محیط و بازآفرینی و از آزمون فریدمن به منظور اولویت‌بندی هر شاخص و میانگین رتبه شاخص‌ها از دیدگاه شهروندان استفاده شده است و در ادامه فرایند تحقیق بیان شده است شکل(۵).

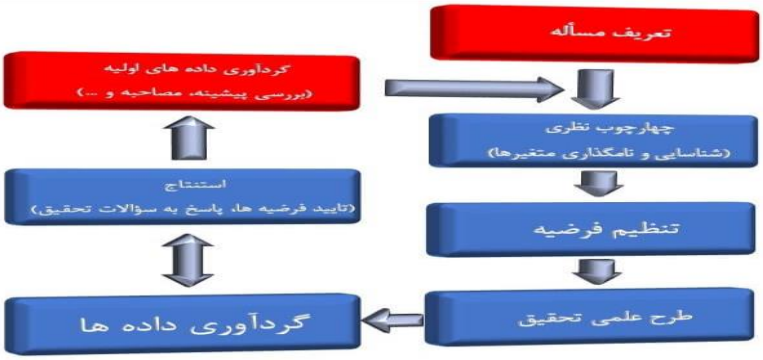

شکل(۵). فرایند تحقیق

نتایج

آمار توصیفی

طبق نتایج حاصل از آمار توصیفی در رابطه با جنسیت، ۶۸/۱ درصد را مرد و ۳۱/۹ درصد باقیمانده را زن تشکیل می‌دهند و در رابطه با میزان تحصیلات پاسخگویان، ۴۴/۴ را تحصیلات دیپلم و۳۶/۳ را تحصیلات فوق‌دیپلم و لیسانس و ۱۹/۳ درصد باقیمانده را تحصیلات فوق لیسانس و بیشتر تشکیل می‌دهند. و در رابطه با سن پاسخگویان، ۳۱/۶ درصد بین ۱۸ تا ۲۵ سال، ۳۰/۷ درصد بین ۲۵ تا ۳۵ سال و۲۹/۱ درصد بین ۳۵ تا ۴۵ سال و ۸/۶ درصد باقیمانده بین ۴۵ تا ۵۵ سال قرار دارند.

یافته‌های توصیفی

طبق نتایج حاصل از جدول(۱) اول میانگین خام تمامی مؤلفه‌ها ۳ می‌باشد که با توجه به نتایج جدول، میانگین تمامی متغیرها بیشتر از ۳ و بالاتر از حد میانگین است و بیشترین میانگین متغیرهای بازآفرینی محور فرهنگی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1401.22.67.17.4]
[DOI: 10.52547/jgs.22.67.241]

برابر ۴/۱۶۲ (ویژگی کالبدی) و بیشترین میانگین متغیر ارتقاء کیفیت محیط برابر ۴/۲۴۱ (کیفیت زیست محیطی) می‌باشد.

جدول(۱). میانگین مؤلفه‌های بازآفرینی محور فرهنگی و ارتقاء کیفیت محیط

بازافرینی محورفرهنگی	میانگین	ارتقاء کیفیت محیط	میانگین
کالبدی	۴/۱۶۲	کیفیت زیباشناختی	۴/۱۵۳
معنایی	۳/۱۲۸	کیفیت زیست محیطی	۴/۲۴۱
فعالیتی - عملکردی	۳/۱۳۹	کیفیت عملکردی	۳/۹۲۴

یافته‌های تحلیلی

بررسی رابطه بین مؤلفه‌های بازآفرینی و مؤلفه‌های کیفیت محیط در محور فرهنگی انقلاب تهران

به منظور سنجش رابطه بین مؤلفه‌های کیفیت سازنده بازآفرینی و کیفیت محیط از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود جدول(۲).

جدول(۲). تحلیل روابط بین شاخص‌های بازآفرینی و کیفیت محیط

		عملکردی	معنایی	کالبدی	عملکردی-فعالیتی	زیباشناختی	زیست محیطی
عملکردی	ضریب همبستگی	۱	-۰/۲۱۶	۰/۳۶۴	۰/۵۱۹	۰/۲۲۲	۰/۶۳۱
	درجه معناداری		۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
	تعداد	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۳۹۸	۴۰۰
معنایی	ضریب همبستگی	-۰/۲۱۶	۱	۰/۰۳۲	۰/۲۶۰	۰/۲۸۰	-۰/۳۰۴
	درجه معناداری	۰/۰۰۰		۰/۵۲۵	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
	تعداد	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۳۹۸	۴۰۰
کالبدی	ضریب همبستگی	۰/۳۶۴	۰/۰۳۲	۱	۰/۵۱۳	۰/۰۹۹	۰/۱۲۰
	درجه معناداری	۰/۰۰۰	۰/۵۲۵		۰/۰۰۰	۰/۰۴۷	۰/۰۱۷
	تعداد	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۳۹۸	۴۰۰
فعالیتی-عملکردی	ضریب همبستگی	۰/۵۱۹	۰/۲۶۰	۰/۵۱۳	۱	۰/۵۸۵	۰/۵۶۳
	درجه معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰		۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
	تعداد	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۳۹۸	۴۰۰
زیباشناختی	ضریب همبستگی	۰/۲۲۲	۰/۲۸۰	۰/۰۹۹	۰/۵۸۵	۱	۰/۲۶۵
	درجه معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۴۷	۰/۰۰۰		۰/۰۰۰
	تعداد	۳۹۸	۳۹۸	۳۹۸	۳۹۸	۳۹۸	۳۹۸
زیست محیطی	ضریب همبستگی	۰/۶۳۱	-۰/۳۰۴	۰/۱۲۰	۰/۵۶۳	۰/۲۶۵	۱
	درجه معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۱۷	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	
	تعداد	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۳۹۸	۴۰۰

با توجه به جدول(۲) بین مؤلفه‌های بازآفرینی محور فرهنگی (ابعاد کالبدی، معنایی و فعالیتی- عملکردی با مؤلفه‌های ارتقای کیفیت محیط(کیفیت زیباشناختی، کیفیت زیست محیطی و کیفیت عملکردی)، می‌توان بیان داشت ضریب همبستگی بین ابعاد کالبدی و کیفیت زیباشناختی (۰/۰۹۹)، ابعاد کالبدی و زیست محیطی (۰/۱۲۰) و ابعاد کالبدی و کیفیت عملکردی (۰/۵۱۳) است و در رابطه با ضریب همبستگی ابعاد معنایی و کیفیت

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1401.22.67.17.4]
[DOI: 10.52547/jgs.22.67.241]

زیباشناختی (۰/۲۸۰)، بین ابعاد معنایی و کیفیت زیست محیطی (۰/۳۰۴)، بین ابعاد معنایی و کیفیت عملکردی(۰/۲۶۰) است و در رابطه با ضریب همبستگی پیرسون بین ابعاد فعالیتی- عملکردی و کیفیت زیباشناختی(۰/۲۲۲)، بین ابعاد فعالیتی-عملکردی با کیفیت زیست محیطی(۰/۶۳۱) و بین ابعاد فعالیتی-عملکردی با کیفیت عملکردی (۰/۵۱۹) است. ارتباط میان زیرشاخص‌های بازآفرینی و کیفیت محیط نیز قابل مشاهده است به گونه‌ای که میان شاخص عملکردی بازآفرینی با شاخص زیست محیطی کیفیت محیط ارتباط زیاد و مستقیمی وجود دارد به گونه‌ای که بالاترین ضریب پیرسون(۰/۶۳۱) را نشان می‌دهد و به دنبال آن کمترین ارتباط مستقیم زیرشاخص عملکردی بازآفرینی مربوط به زیرشاخص زیباشناختی کیفیت محیط با ضریب پیرسون(۰/۲۲۲) می‌باشد. میان شاخص معنایی بازآفرینی بالاترین ارتباط مربوط به شاخص زیبا شناختی کیفیت محیط با ضریب پیرسون (۰/۲۸۰) می‌باشد و کمترین ارتباط و معکوس مربوط به شاخص زیست‌محیطی با ضریب پیرسون (۰/۳۰۴-) است. میان شاخص کالبدی بازآفرینی بالاترین ارتباط مربوط به شاخص عملکردی فعالیتی کیفیت محیط با ضریب پیرسون (۰/۵۱۳) می‌باشد و کمترین ارتباط مستقیم مربوط به شاخص زیباشناختی با ضریب پیرسون (۰/۰۹۹) است. همان‌طور که قابل مشاهده است میان تمامی زیرشاخص‌های بازآفرینی و کیفیت محیط ارتباط برقرار است به این دلیل که ضریب پیرسون صفر مشاهده نمی‌شود.

سنجش تأثیر مؤلفه‌های بازآفرینی در محور فرهنگی انقلاب تهران: یکی از جداول خروجی آزمون رگرسیون چند متغیر، جدول(۳) است.

جدول(۳). نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره شاخص‌های بازآفرینی و ارتقا کیفیت محیط

شاخص‌های بازآفرینی محور فرهنگی	زیرشاخص‌ها	R	R^2	B	Sig
کالبدی	ریخت‌شناسی	۰/۴۶۲	۰/۱۱۶	۰/۲۲۴	۰/۰۰۰
	تنوع و تطبیق پذیری	۰/۵۰۶	۰/۲۴۵	۰/۲۸۱	۰/۰۰۰
	نفوذ پذیری	۰/۲۲۱	۰/۹۸	۰/۱۱۲	۰/۰۰۰
	خوانایی	۰/۵۱۶	۰/۲۴۲	۰/۲۸۶	۰/۰۰۰
	تعداد و کیفیت فضاهای شهری	۰/۴۳۲	۰/۱۸۶	۰/۲۱۵	۰/۰۰۰
	جداره فعال	۰/۲۸۶	۰/۱۲۰	۰/۱۴۳	۰/۰۰۰
معنایی	هویت	۰/۲۴۳	۰/۸۶	۰/۱۱۲	۰/۰۰۰
	تصویرسازی	۰/۲۲۰	۰/۱۰۸	۰/۱۱۰	۰/۰۰۰
	تاریخ	۰/۲۰۵	۰/۹۸	۰/۱۰۲	۰/۰۰۰
	سبک	۰/۱۸۵	۰/۱۲۲	۰/۱۴۵	۰/۰۰۰
	شناخت پذیری	۰/۱۶۴	۰/۱۰۲	۰/۱۲۳	۰/۰۰۰
فعالیتی - عملکردی	تنوع کاربری‌های اصلی، فرعی، و مکمل، روزانه و شبانه	۰/۳۸۶	۰/۱۸۴	۰/۲۰۴	۰/۰۰۰
	وسعت و تنوع رویدادها و مکان‌های فرهنگی	۰/۴۵۲	۰/۱۰۸	۰/۲۲۶	۰/۰۰۰
	حور اقتصاد شبانگاهی	۰/۲۴۸	۰/۱۱۲	۰/۱۲۴	۰/۰۰۰
	بنگاه‌های اقتصادی	۰/۴۰۳	۰/۱۱۵	۰/۲۲۵	۰/۰۰۰
	فضاهای گردهمایی	۰/۲۶۵	۰/۱۱۵	۰/۱۳۲	۰/۰۰۰

طبق نتایج حاصل از جدول(۳) مقدار R^2 در جدول نشان می‌دهد که هر یک از زیرشاخص‌ها چند درصد واریانس شاخص سطح بالاتر خود در محور فرهنگی، ارتقاء کیفیت محیط خیابان انقلاب را تبیین می‌کنند. از دیگر آمارهای

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1401.22.67.17.4]
[DOI: 10.52547/jgs.22.67.241]

جدول(۳) ضریب B است که ضریب اهمیت و تأثیر هر یک از زیرشاخص‌ها را بر ارتقاء کیفیت محیط نشان می‌دهد. به عبارت دیگر مقدار میزان اهمیت و میزان تأثیر هر یک از زیرشاخص‌ها بر ارتقاء کیفیت محیط را نشان می‌دهد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود در سطح اول مدل، ویژگی‌های(کالبدی) زیرشاخص سطح چهارم (خوانایی) با مقدار R^2 (۰/۲۴۲)، مقدار بیشتری از واریانس ویژگی کالبدی محور انقلاب را نسبت به سایر زیرشاخص‌ها تبیین می‌کند. در سطح سوم مدل، ویژگی‌های (فعالیتی-عملکردی) مقدار بیشتر R^2 به زیر شاخص سطح دوم (وسعت و تنوع رویدادها و مکان‌های فرهنگی)R^2 (۰/۱۰۸) و در سطح دوم، ویژگی‌های(معنایی) بیشترین مقدار R^2 متعلق به زیرشاخص سطح اول (هویت)R^2 (۰/۸۶) است. در میان زیرشاخص‌های بازآفرینی، ویژگی‌های (کالبدی) زیرشاخص سطح چهارم (خوانایی) با ضریب B (۰/۲۸۶) از اهمیت بیشتری نسبت به سایر زیرشاخص‌های سازنده ویژگی‌های (فعالیتی- عملکردی) متعلق به زیرشاخص (وسعت و تنوع رویدادها و مکان‌های فرهنگی) با ضریب B(۰/۲۲۶) در میان زیرشاخص‌های بازآفرینی ویژگی‌های (معنایی)، بیشترین تأثیر متعلق به زیرشاخص هویت با ضریب B (۰/۱۱۲) است.

جدول(۴). نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره شاخص‌های کیفیت محیط و بازآفرینی فرهنگی

شاخص‌های کیفیت محیط	زیرشاخص‌ها	R	R^2	B	Sig
زیباشناختی	کیفیت فضاها و بناها	۰/۲۶۵	۰/۱۱۰	۰/۱۲۳	۰/۰۰۰
	کیفیت فضاهای عمومی	۰/۳۳۲	۰/۱۰۵	۰/۱۱۸	۰/۰۰۰
	کیفیت سازمان دسترسی و راه‌ها	۰/۳۴۳	۰/۱۲۰	۰/۱۸۵	۰/۰۰۰
	کیفیت ادراک حسی و ذهنی	۰/۳۱۴	۰/۹۵	۰/۱۰۶	۰/۰۰۰
زیست محیطی	منابع تدیدپذیر	۰/۱۹۳	۰/۱۲۲	۰/۱۴۸	۰/۰۰۰
	حس بویایی	۰/۲۰۵	۰/۱۰۲	۰/۱۰۸	۰/۰۰۰
	حس شنوایی	۰/۲۶۴	۰/۱۱۶	۰/۱۲۲	۰/۰۰۰
	آلودگی بصری	۰/۲۴۸	۰/۱۱۰	۰/۱۲۴	۰/۰۰۰
کیفیت عملکردی	فعالیت جذب اقشار مختلف	۰/۲۱۰	۰/۱۳۴	۰/۱۱۹	۰/۰۰۰
	گوناگونی و تنوع فعالیت‌ها	۰/۳۲۲	۰/۱۵۰	۰/۱۸۱	۰/۰۰۰
	فعالیت‌های جذب پیاده روی	۰/۳۱۶	۰/۹۸	۰/۱۴۸	۰/۰۰۰
	فعالیت‌های جذب حمل و نقل عمومی	۰/۲۸۳	۰/۱۲۳	۰/۱۳۶	۰/۰۰۰
	فعالیت‌های جاذب سنین مختلف	۰/۲۷۶	۰/۱۳۶	۰/۱۳۱	۰/۰۰۰

همان‌طور که ملاحظه می‌شود در جدول(۴) نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که ویژگی‌های (زیباشناختی) زیرشاخص سطح سوم (کیفیت سازمان دسترسی و راه‌ها) با مقدار R^2 (۰/۱۲۰)، مقدار بیشتری از واریانس کیفیت محیط را نسبت به سایر زیرشاخص‌ها تبیین می‌کند. ویژگی‌های (زیست محیطی) متعلق به زیرشاخص (حس شنوایی) با مقدار R^2 (۰/۱۰۶)، مقدار بیشتری از واریانس کیفیت محیط را نسبت به سایر زیرشاخص‌ها تبیین می‌کند ویژگی‌های (کیفیت عملکردی) متعلق به زیرشاخص (فعالیت‌های گوناگون و تنوع فعالیت‌ها) با مقدار R^2 (۰/۱۱۰)، مقدار بیشتری از واریانس کیفیت محیط را نسبت به سایر زیرشاخص‌ها تبیین می‌کند. در میان زیرشاخص‌های کیفیت محیط، ویژگی‌های(زیباشناختی) زیرشاخص سطح سوم (کیفیت سازمان دسترسی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1401.22.67.17.4]
[DOI: 10.52547/jgs.22.67.241]

و راه‌ها) با ضریب B (۰/۱۸۵) از اهمیت بیشتری نسبت به سایر زیرشاخص‌های کیفیت محیط ویژگی‌های (زیست محیطی) متعلق به زیرشاخص (حس شنوایی) با ضریب B (۰/۱۲۲) در میان زیرشاخص‌های کیفیت محیط ویژگی‌های (فعالیتی-عملکردی)، بیشترین تأثیر متعلق به زیرشاخص فعالیت‌های گوناگونی و تنوع فعالیت-ها با ضریب B (۰/۱۵۱) است

اولویت‌بندی شاخص‌های بازآفرینی در راستای ارتقاء کیفیت محیط بر مبنای آزمون فریدمن

به منظور سنجش آرای افراد و رتبه‌بندی میزان هر یک از شاخص‌های کیفیت محیط و بازآفرینی، از آزمون فریدمن – واریانس دوطرفه (برای داده‌های ناپارامتری) استفاده شده است. نتایج نشان دهنده اختلاف معنادار بین مؤلفه‌ها می‌باشد. نتایج جدول(۵) بیانگر اولویت مؤلفه کالبدی در بازآفرینی محور فرهنگی در جهت ارتقای اولویت مؤلفه زیست محیطی کیفیت محیط می‌باشد.

جدول(۵). میانگین رتبه شاخص‌ها

تعداد	۳۹۸		تعداد	۴۰۰
کای اسکوئر	۳۵۸۳/۱۲۴		کای اسکوئر	۲۰۸۵/۹۸۳
درجه معناداری	۰/۰۰۰		درجه معناداری	۰/۰۰۰
شاخص کیفیت محیط	Mean Rank		شاخص بازآفرینی محور فرهنگی	Mean Rank
فعالیتی	۱۱/۷۳۲۵		کالبدی(فرم)	۱۵/۳۹۷۵
زیباشناختی	۱۶/۶۹۶۰		معنایی	۸/۶۵۷۵
زیست محیطی	۱۸/۵۹۵۰		فعالیتی عملکردی	۱۴/۵۳۳

نتایج تحلیل جدول(۵) نشان داد که تأثیرگذاری ویژگی‌های کالبدی بر روی کیفیت محیط در اولویت اول قرار دارد. سپس ویژگی‌های فعالیتی - عملکردی در اولویت دوم و ویژگی‌های معنایی در اولویت سوم بازآفرینی محور فرهنگی قرار دارند. این ویژگی‌های بازآفرینی در راستای ارتقای کیفیت محیط می‌باشد که طبق نتایج حاصل از جدول فوق اولویت در راستای ویژگی‌های زیست محیطی، سپس زیباشناختی و پس از آن ویژگی‌های فعالیتی می‌باشد.

نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر بازآفرینی محور فرهنگی با تأکید بر ارتقاء کیفیت محیط می‌باشد. طبق نتایج حاصل از پژوهش، ویژگی‌های (کالبدی) زیرشاخص سطح چهارم (خوانایی) با مقدار R2 (۰/۲۴۲)، مقدار بیشتری از واریانس ویژگی کالبدی محور انقلاب را نسبت به سایر زیرشاخص‌ها تبیین می‌کند. ویژگی‌های (فعالیتی-عملکردی) مقدار بیشتر R2 به زیر شاخص سطح دوم (وسعت و تنوع رویدادها و مکان‌های فرهنگی) R2 (۰/۱۰۸) و در سطح دوم، ویژگی‌های (معنایی) بیشترین مقدار R2 متعلق به زیرشاخص سطح اول (هویت)R2 (۰/۸۶) است و نتایج تحقیقات نادریان (۱۳۹۶) بیان کرد که بازآفرینی فرهنگی، حس تعلق شهروندان را موجب می‌شود و شهریاری و همکاران (۱۳۹۶) نشان دادند بازآفرینی شهری تأثیرات بسزایی بر بازآفرینی بناهای تاریخی داشته است و فورلن و فاگین (۲۰۱۷) بیان داشتند بازآفرینی شهری منبع ایده جهت طراحی جوامع پویا معرفی شود.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1401.22.67.17.4]
[DOI: 10.52547/jgs.22.67.241]

فریستون و میدلتون (۲۰۰۸) نشان داد مفهوم بازسازی فرهنگ مبنا به عنوان وسیله‌ای برای بازسازی پساصنعتی و تأثیر نقش آن در هویت ساکنین شهرها دارد. در تبیین فرضیه پژوهش می‌توان بیان داشت که از بین مؤلفه‌های کالبدی مؤلفه خوانایی، ارتقای کیفیت محیط را تبیین می‌کند و مؤلفه فعالیتی- عملکردی، متغیر وسعت و تنوع رویدادها و مکان‌هایی فرهنگی را تبیین و مؤلفه معنایی متغیر هویت را تبیین می‌کند و هنگامی که خوانایی محور فرهنگی در سطح بالایی باشد، کیفیت محیط ارتقاء پیدا می‌کند و وجود وسعت و تنوع رویدادها و مکان‌های فرهنگی سبب افزایش ارتقای کیفیت محیط می‌گردد و هنگامی که در حوزه معنایی، در بازآفرینی، هویت حفظ شود، شرایط را برای ارتقای کیفیت محیط را فراهم می‌سازد. از سویی نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که ویژگی‌های(زیباشناختی) زیرشاخص سطح سوم (کیفیت سازمان دسترسی و راه‌ها) با مقدار R2 (۰/۱۲۰)، مقدار بیشتری از واریانس کیفیت محیط را نسبت به سایر زیرشاخص‌ها تبیین می‌کند. ویژگی‌های (زیست محیطی) متعلق به زیرشاخص (حس شنوایی) با مقدار R2 (۰/۱۰۶)، مقدار بیشتری از واریانس کیفیت محیط را نسبت به سایر زیرشاخص‌ها تبیین می‌کند ویژگی‌های (کیفیت عملکردی) متعلق به زیرشاخص (فعالیت‌های گوناگون و تنوع فعالیت‌ها) با مقدار R2 (۰/۱۱۰)، مقدار بیشتری از واریانس کیفیت محیط را نسبت به سایر زیرشاخص‌ها تبیین می‌کند و لازارویچ و دیگران (۲۰۱۶) بیان کردند بازآفرینی فرهنگ مبنا می‌تواند به‌عنوان یک ابزار برای ایجاد محله‌های فرهنگی، قطب فرهنگی و برای استفاده از این مناطق به‌منظور آغاز فرایند بازآفرینی، با تمام اثرات مثبت آن به‌کار گرفته شوند و گیتینگ و دی فرانتز (۲۰۰۴) بیان کرد بازآفرینی فرهنگ‌مبنا بسیاری از جاذبه‌ها را برای سیاستگذاران شهری ارائه می‌دهد. در تبیین فرضیه‌های پژوهش می‌توان بیان داشت، کیفیت سازمان دسترسی و راه‌ها زمینه را برای بازآفرینی محور فرهنگی فراهم ساخته و از دیگر ویژگی‌های ارتقای کیفیت محیط متغیر حس شنوایی نیز نقش مؤثری بر بازآفرینی محور فرهنگی دارد و لازم است به این مقوله توجه شود و در کیفیت عملکردی، به فعالیت‌های گوناگون و تنوع فعالیت‌ها توجه گردد که این عامل زمینه را برای بازآفرینی محور فرهنگی فراهم می‌سازد و لازم است در این زمینه در بازآفرینی محورهای فرهنگی به عوامل مؤثر بر ارتقای کیفیت محیط از قبیل کیفیت دسترسی و راه‌ها، تنوع فعالیت‌ها و حس شنوایی توجه شود و در دستور کار خود قرار دهند و از سویی، در بازآفرینی محور فرهنگی برنامه‌ها باید به گونه‌ای باشد که خوانایی محیط، تنوع رویدادها و مکان‌های فرهنگی و هویت محیط حفظ شود و در پی ارتقای این ویژگی‌ها در حوزه بازآفرینی باشند و نه حذف آن.

منابع

امیـــن زاده، بهناز؛ دادرس، راحله. (۱۳۹۱). **بازآفرینی فرهنگمدار در بافت تاریخی شهر قزوین با تأکید بر گردشگری شهری** .دوفصلنامه معماری ایرانی، (۲).

ایزدی، پگاه؛ هادیانی، زهره؛ حاجی نژاد، علی؛ قادری، جعفر (۱۳۹۶). **تبیین و ارائه الگوی بازآفرین شهری فرهنگ محور با تأکید بر رویکرد نهادی**؛ فصلنامه مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی، ۹(۲).

پاکزاد، جهانشاه .(۱۳۸۱). **طراحی شهری: کیفیـــت محـــیط شهری، مطالبه معوقه شـــهروندان**، مـدیریت شـــهری، (۹): ۶تا ۱۵.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1401.22.67.17.4]
[DOI: 10.52547/jgs.22.67.241]

پاکزاد، جهانشاه؛ ساکی، الهه .(۱۳۹۳). **تجربه زیباشناختی محیط**، نشریه هنرهای زیبامعماری و شهرسازی، ۱۹(۳): ۵-۱۴.

پورجعفر محمدرضا، دهقانی فهیمه .(۱۳۹۰). **نقش بازآفرینی مناظر فرهنگی بر ارتقای کیفیت زندگی شهروندی: نمونه موردی: مجموعه زندیه شیراز**، فصلنامه نقش جهان (۱) : ۸۱- ۹۳.

سروری، هادی؛ موسوی، سیدمحسن .(۱۳۹۶). **تحلیلی بر بازآفرینی شهری با رویکرد فرهنگ مبنا**؛ ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر.

شهریاری، سید کمال الدین؛ علی کریم زاده، مهیار اردشیری. (۱۳۹۶). **تبیین سیاست‌های فرهنگی تأثیرگذار بر بازآفرینی شهری فرهنگ محور(با تاکید بر تجارب بازآفرینی شهری استانبول ترکیه)**. *هویت شهر* .۹۵-۱۰۹.

صالحی نیا مجید، نیرومند شیشوان مهدیه .(۱۳۹۷)، **تبیین نقش مؤلّفه‌های منظر حسی مبتنی بر حواس در کیفیت ادراک حسی محیطی(گذر ارگ جدید تبریز)**، فصلنامه شهر ایرانی اسلامی، ۸(۳۱):۱۹-۳۱.

عباس زادگان مظفر، ایشم معصومه .(۱۳۹۶). **تعریف محور تاریخی، فرهنگی و گردشگری در بافت کهن شهر ارومیه (نمونه‌ی مطالعاتی: محلهی مهدیالقدم)**، جستارهای شهرسازی، دوره دوم ـ شماره ۴(پیاپی۴۸)پاییز و زمستان ۱۳۹۶:۱۱۴-۹۷

لطیفی امین، سجادزاده حسن .(۱۳۹۴). **ارزیابی تأثیر مؤلفه‌های کیفیت محیطی بر الگوهای رفتاری در پارک-های شهری(مطالعه موردی: پارک مردم همدان)**، فصلنامه مطالعات شهری، (۱۱):۵-۲۰.

نادریان، زهرا .(۱۳۹۶). **بررسی بازآفرینی فرهنگی اجتماعی فضاهای شهری با هدف ارتقاء هویت محله‌ای (مطالعه موردی محله سنگ شیرهمدان)**؛ مطالعات محیطی هفت حصار،۱۹(۶).

Aykaç, P., Rifaioğlu, M.N., Altınöz, A.G.B., and Güçhan, N.Ş (2009) DesignInterventionsas Regenerators in Historic Towns: Proposal for Ayvalık HistoricDepots Region. in the International Conference on the UrbanProjects,Architectural Intervention in Urban Areas, TU,Delft, The Netherlands

Barnes Truelove Heather, Jade Gillis Ashley(2018**), Perception of pro-environmental behavior**, Global Environmental Change 49 (2018) 175–185

Binns, L., (2005), **Capitalising on Culture: an Evaluation of Culture-Led Urban Regeneration Policy**, Dublin: Institute of Technology Futures Academy

Colantonio, A. & Dixon, T. J. (2011). **Urban Regeneration & Social Sustainability:** Best Practice from European Cities.

De Liu, Yi (2019). **Event and Sustainable Culture-Led Regeneration**: Lessons from the 2008 European Capital of Culture, Liverpool, Sustainability 2019, 11, 1869; doi:10.3390/su11071869

Freestone, P & Middleton, C. (2008). **The Impact of Culture-led Regeneration onRegional Identity in North East England. In*:*** Regional Studies AssociationInternational Conference the Dilemmas of Integration and Competition. Prague, Czech Republic27-29 May 2008.

Furlan, R. & Faggion, L. (2017). "Urban Regeneration of GCC Cities: Preservingthe Urban Fabric's Cultural Heritage and Social Complexity". Journal of HistoricalArchaeology & Anthropological Sciences, Volume 1(1). pp: 14-18.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1401.22.67.17.4]
[DOI: 10.52547/jgs.22.67.241]

Kana Koichi, (2012), **An experiment in urban regeneration using culture and art in Senba, Osaka's historic urban center, with a focus on the regeneration of urban space,** City, Culture and Society 3 (2012) 151–163

Keating, M. and Frantz, M., (2004), **Culture-led Strategies for Urban Regeneration: aComparative Perspective on Bilbao**. International Journal of Iberian Studies, vol. 16, No.3, PP.187-194.

La Rosa Daniele, Riccardo Privitera, Luca Barbarossa, Paolo La Greca (2017), **Assessing spatial benefits of urban regeneration programs in a highly vulnerable urban context: A case study in Catania, Italy**, Landscape and Urban Planning 157 (2017) 180–192

Lazarević, E., Koružnjak, A. and Devetaković, M., (2016), **Culture Design-ledRegeneration as a Tool Used to Regenerate Deprived Areas Belgrade—The Savamalaquarter; Reflections on an Unplanned Cultural Zone, Energy and Buildings, vol. 1, No.115, PP. 3-10**

Long, J .(2009). **Sustaining creativity in the creative archetype: the case of Austin,Texas**. Cities 26, 210-219

Pacione, M (2003) **Introduction on urban environmental quality and human wellbeing.** Landscape and Urban Planning, Volume 65, Issues 1-2, pages 1-3.

Panagopoulos, Thomas. Antonio Gonzalez Duque, Jose, Bostenaru Dan, Maria (2015), **Urban planning with respect to environmental quality and human well-being, Environmental Pollution xxx** (2015) 1-8

Perovic, S. & Kurtovic Folic, N. (2012). **Visual Perception of Public Open Spaces in Niksic. Procedia-Social and Behavioral Sciences,** 68, 921–933.

Sasaki Masayuki (2010), **Urban regeneration through cultural creativity and social inclusion: Rethinking creative city theory through a Japanese case study**, Cities 27 (2010) S3–S9

Smith, M. (2003**). Issues in Cultural Tourism Studies**. London

Van Herzele, A., and Wiedemann, T (2003) **A monitoring tool for the provision of accessibleand attractive urbangreen spaces**. Landscape and Urban Planning. Volume 63, Issue2, pages 109-126.

Vickery, J., (2007)**. The Emergence of Culture-led Regeneration: A policy concept and its discontents**, Centre for Cultural Policy Studies University of Warwick Research Papers No. 9, Series Editors: Oliver Bennett and Jeremy Ahearne.

Wojnarowska, Anna.(2016), **model for assessment of public space quality in town centers**, european Spatial Research and Policy 23(1) · July 2016 with 729 Reads DOI: 10.1515/esrp-2016-0.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1401.22.67.17.4]
[DOI: 10.52547/jgs.22.67.241]